



حاشیه نشینی مقدمه آسیب های اجتماعی

هرگاه سخن از مقوله حاشیه نشینی به میان می آید نباید آسیب های اجتماعی مرتبط با این مساله را نیز از نگاه تیزبینانه خود دور نگه داشت.

حاشیه نشینی مقدمه یی بر آسیب های اجتماعی است . در مباحث مرتبط با جامعه شناسی شهری، حاشیه نشینی به آن سنخ از زیست شهری اطلاق می شود، که در حومه شهرها، تعدادی خانوار بدمسکن، یک مرکز جمعیتی یا شهرک مانندی را به وجود آورند . در ایران بعد از وقوع اصلاحات ارضی، این پدیده رخ عیان کرد.

در یک بررسی گسترده که در سال ۱۳۵۱ در موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران صورت گرفت مشخص شد ۹۱ درصد از سرپرستان خانواده های حاشیه نشین در تهران روستایی بوده اند، ۷۲ درصد آنان قبلاً دهقان محسوب می شدند و ۵۹ درصد خرده مالک بوده اند . همچنین یافته های پژوهشی مشابه در سال ۱۳۴۵ نشان داد ۶۲ درصد از حاشیه نشینان تهران کارگر ساده، ۱۲ درصد کارگر نیمه ماهر و ۱۴ درصد کارگر ماهر بوده اند . این موارد تا حدودی نشانگر ابعاد حاشیه نشینی در ایران پیش از انقلاب بود، در آن سال ها به دلیل اصلاحات ارضی و همچنین عدم کارایی اقتصاد کشاورزی روستاها، موج مهاجرت های گسترده به شهرهای بزرگ رخ داد که به نمود یافتن زیست حاشیه وی منجر شد . اما این روند در ایران پس از انقلاب نیز با گستردگی بیشتری ادامه یافت، موج مهاجرت و در کنار آن رشد بی وقفه جمعیت نیز به مثابه علتی ثانویه که باعث رقابت شدید برای تسلط بر امکانات شهری شد موجب شد حاشیه نشینی در قامت یک معضل ملی رخ بنمایاند.

براساس مطالعات جامعه شناختی، ۶۷ شهر کوچک و بزرگ کشور در ۱۶ استان در سال ۱۳۸۰ (بدون احتساب تهران، آذربایجان شرقی و مرکزی) با پدیده حاشیه نشینی مواجه هستند، در این محدوده ها که بیش از دو میلیون نفر ساکن هستند، تراکم جمعیت مناطق حاشیه نشین به طور متوسط حدود ۲۰۰ نفر در هکتار است. افتخاری راد، ۸۰ همچنین مطابق برآوردهایی که در پژوهش حاشیه نشینی در ایران توسط مرکز مطالعات و تحقیقات معماری و شهرسازی ایران صورت پذیرفت، جمعیت حاشیه ۳ میلیون نفر تخمین زده شد که اکنون قطعاً بسیار بیشتر / نشین در ۱۰ شهر بزرگ ایران نظیر تهران، مشهد، شیراز، اهواز حدود ۵ از این رقم است.

روند برابر شدن شهر و حاشیه آن در ایران

موردی که از لحاظ جامعه شناختی و اصول شهرسازی فوق العاده حائز اهمیت است روند همسان شدن کمیت و کیفیت شهرهای ایران با حاشیه های خود است، چه آنکه با استمرار روند فعلی تا چند سال آینده جمعیت حاشیه های هر کلانشهر اختلاف اندکی با جمعیت کلانشهرها پیدا نمی کند . هم اکنون ۳۴ درصد از جمعیت حاشیه نشین کل کشور در حاشیه کلانشهرها استقرار یافته اند که روز به روز بر تعداد آنها اضافه می شود، عدم پویایی مدیریت شهری در کلانشهرهای ایران نیز مزید بر علت شده تا حاشیه شهرها همانند متن شهر ارتقای عمرانی پیدا نکند . به همین دلیل هم اکنون از لحاظ عمرانی بع ضی از نقاط کلانشهرها هیچ فرقی با حاشیه خود ندارند و از لحاظ جمعیتی نیز افزایش روزافزون جمعیت حاشیه نشین باعث می شود که در آینده بی نه چندان دور حاشیه و متن از هر لحاظ برابر شوند،

تبعات حاشیه نشینی و معضلات ملی

حاشیه نشینی در ایران براساس دلایل بیشماری اکنون یک معضل ملی محسوب می شود که با ادامه روند فعلی بی شک به یک فاجعه ملی منجر خواهد شد . ابعاد معضلاتی که حاشیه نشینی باعث نشو و نمای آنها شده است، بسیار فراتر از عدم هماهنگی در بافت فیزیکی شهرها است . حاشیه نشینان که اغلب متشکل از مهاجران روستایی هستند که از روستا به شهر روی آورده اند عمدتاً حامل خصلت های اجتماعی هستند که با خصایص جامعه شهری سنخیتی ندارد . آسیب های اجتماعی و سهم بالایی از وقوع جرم و جرائم در کشور به حاشیه نشینان اختصاص یافته است، به دلیل عدم تطابق هنجاری و نائل نشدن به یک شناخت جامع از حاشیه نشینان و همچنین سطح نازل معیشت اقتصادی این طبقه، یک نوع انحرافات نهادینه شده در کنش بسیاری از آنها به چشم می خورد، قاچاق مواد مخدر و جنایت های مبتنی بر هیچ انگاری ارزش های جامعه از موارد قابل ذکر هستند.

رواج مشاغل کاذب و غیر رسمی

فقر مفرط اقتصادی و همچنین عدم مهارت فنی در میان مهاجران حاشیه نشین ایران، مشاغلی را رواج داده که در متن زیست شهری به وضوح قابل رویت است، دستفروشی قاچاق، کالا، دلالی های کاذب امروز نه تنها در حاشیه شهر بلکه در متن شهرها نیز نمود تام دارد.

مهاجرت و بزهکاری و تکدی گری

از روند گسترش حاشیه نشینی در تهران و پیامدهای آن : سفر به شهر آرزوهای از دست رفته ؛ شهرنشینان سایه از کجا می آیند؟!

گروه اجتماعی خبرگزاری مهر- جرات پیاده شدن از اتوبوس را نداشت. گامهایش از ترس خشک شده بود ، نمی دانست حالا که رسیده باید کجا برود؟ چکار کند؟ شب را چطور سر کند و ... اما وقتی به خودش آمد دید زیر برج آزادی است. حالا دیگر پل های پشت سرش را خراب شده می دید. وقتی بار سفرش را بست پدر و دیگر بزرگان فامیل او را از رفتن باز داشتند اما تصمیم خودش را گرفته بود که برود و حالا به مقصد رسیده بود. فکرش را هم نمی کرد روزی قدم به شهری بگذارد که همه آن را شهر آرزوهای برباد رفته لقب داده اند ...

غرق در روزهای شیرین زندگی در تهران بود که نگهبان در سلول را باز می کند و صدا می زند: حسن روستایی! لباس بپوش باید بروی دادگاه . عرق سردی بر پیشانی اش نشست و قدم هایش از حرکت باز مانده اند. مدام این دست و آن دست می کند تا شاید اتفاقی رخ دهد و مانع از رفتن او به دادگاه شود. اما مگر قرار است دیگر چه اتفاقی بیفتد بالاتر از اینکه او حالا یک متهم است که به جرم کیف قاپی دستگیر شده و باید امروز در مقابل قاضی پاسخگوی اتهاماتی باشد که در پرونده اش درج گردیده است.

به گزارش خبرنگار اجتماعی خبرگزاری "مهر" پرداختن به مقوله هجرت و سکونت جوانان شهرستانی در تهران و پیامدهای ناشی از این حضور در لایه های مختلف جامعه شهری تهران موضوعی است که تا به حال در خصوص آن هزاران هزار مطلب و برنامه های تلویزیونی با زمینه های گزارش، مقاله، نقد ، تحلیل و ... توسط افراد و اقشار دانشگاهی و

غیر دانشگاهی در رسانه های جمعی منتشر و پخش شده و تکرار دوباره آن شاید حکایت سوژه های نخ نما شده را داشته باشد. اما واقعیت این است که وقوع چنین معضلی در جامعه ای همچون ایران که با انواع مشکلات و مسائل فرهنگی ، اجتماعی ، اقتصادی و سیاسی دست و پنجه نرم می کند امری اجتناب ناپذیر است و می بایست به شیوه ها و روشهای گوناگون به طور مداوم به آن پرداخته شود تا این توهم پیش نیاید که مهاجرت به تهران یک رفتار و حرکت طبیعی بوده و هیچ گونه تبعات و آثار منفی و مخرب به همراه ندارد بلکه بر عکس روز به روز بر آثار و تبعات منفی چنین روندی افزوده می شود بدون اینکه متوجه وخامت موضوع باشیم.

کارشناسان و اندیشمندان مسائل اجتماعی بر این باورند اگر برای مقابله با مهاجرت و پدیده حاشیه نشینی در کشور تاکنون قدم مثبت و کارآمدی برداشته نشده است، فقط به خاطر این است که نگاه جامعه به این حرکت نگاهی همراه با دلسوزی برای کسانی بوده که در این مسیر گرفتار آمده اند و هرگز تدبیر نکرده ایم حضور به هر قیمت ممکن برای سکونت در ابر شهر ایران می تواند بر افزایش جرایم و مفسد اجتماعی ناشی از کثرت فرهنگ های مختلف بیفزاید. اگر از همان دهه ها و سالهای گذشته تهران را شهرآرزوهای دست یافتنی تصویر نمی کردیم و تدابیر محکم و سختی را برای حضور در پایتخت پیش بینی می نمودیم قطعاً امروز با آثار تخریبی این روند در تهران روبه رو نبودیم و یا حداقل وضعیت به این وخامت نبود که امروز شاهد هستیم.

تهران هم چنان شهر رویاهای دست یافتنی جوانانی است که خواب و خوراک را بر خود و خانواده حرام کرده و به هر قیمت ممکن خود را به پایتخت رسانده اند تا بتوانند انگ "

بچه تهرانی " بودن را برای خود بخرند. جوانانی که هریک به تنهایی سرمایه های ملی این کشور محسوب شده و هرز رفتن و تخریب هریک از آنها به نشانه تحلیل سرمایه های ملی جامعه تلقی می شود. به جرات می توان گفت که از ابتدا و حتی قبل از سال ۵۷ به این طرف ما شاهد نابودی حجم عظیمی از سرمایه های ملی این سرزمین بوده ایم که چنانچه اسیر سراب آرمان شهر ایران نمی شدند امروز هر کدام باری را از دوش این کشور برمی داشتند و باعث توسعه و آبادانی همراه با توزیع عدالت اجتماعی در لایه های مختلف جامعه می شدند. اما متأسفانه این موج خروشان هم چنان در حال تخریب سواحل زیبای کشور است بدون اینکه بخواهیم در مقابل آن مانع یا دیوار مستحکمی ایجاد نماییم.

به گزارش خبرنگار اجتماعی خبرگزاری مهر، یکی از آثار و تبعات ویرانگر مهاجرت و حاشیه نشینی در تهران که بیشتر از عوامل دیگر پایتخت را تخریب و تهدید می کند بروز مفاسد اجتماعی است. به طوری که افزایش دزدی و سرقت ، فساد اخلاقی و فحشا ، مواد مخدر، مزاحمت های ناموسی، قتل و غارت، تکدی گری و... نمونه های بارز و آشکاری از پیامدهای مخرب مهاجرت به تهران قلمداد می شوند و هر روز نیز بر آمار این جنایات افزوده می شود. اگر بخواهیم به گفته های خود استناد کنیم می توان به سراغ پرونده هایی رفت که در ادارات آگاهی و دادگاههای جنایی موجود است و برخی از آنها بسته شده و بعضی دیگر هم چنان مفتوح هستند و می توان با مطالعه تعدادی از آنها پی به این واقعیت برد که در یک طرف قضیه مجرم از کسانی بوده که ساک سفر بسته و به تهران آمده تا شاید یک شبه ره صد ساله برود!

روزگاری نه چندان دور یکی از شهرداران سابق تهران گفته بود که این شهر بیشتر شبیه یک روستای بزرگ است که اصول و قواعد شهرنشینی در آن نظیر یک شهر بزرگ نیست و بیشتر به " روستا شهر " شبیه است. این روستا زدگی تهران بیشتر ناشی از مهاجرت های پی در پی حاشیه نشینی برخی از شهروندان است. تهران اینک زیر بار ۱۳ میلیون جمعیت نفس می کشد که در آن انواع فرهنگها و خرده فرهنگها ترسیم شده است. هر محله جدید در شهر تهران و هر شهرک حاشیه ای دارای فرهنگ، مقررات و روابط خاصی است. همه این موارد مشکلات و تنگناهای گوناگونی برای تهران پدید آورده است و حاشیه نشینی و مهاجرت هنوز هم از جمله مسائل و معضلات و مشکلات زندگی در ابرشهر ایران است.

حاشیه های ویرانگر

تهران هم اکنون به عنوان یک ابرشهر چند میلیونی موجی از طبقات مختلف مهاجران را در خود جای داده است که این افراد به اقتضای شغل و درآمدی که دارند به ناچار سکونت در شهر تهران را فراموش کرده و ناگزیر به سکونت در حریم شهر تهران هستند. بر همین اساس و به مرور زمان که بر تعداد ساکنان حریم شهر افزوده می شود شاهد پدیده بغرنج حاشیه نشینی در تهران هستیم.

جامعه شناسان در تعریف افرادی که در حریم شهرها سکونت دارند چنین می گویند : معمولاً حاشیه نشینان را کسانی تشکیل می دهند که در شهرها زندگی می کنند اما به عنوان یک شهروند از امکانات و خدمات شهری بهره نمی برند. این افراد با وجودی که در

دل یا حاشیه شهرها جای دارند اما فرهنگ روستایی را هم چنان حفظ کرده اند ولی در عین حال خود را شهری می دانند.

همچنین در انسان شناسی نیز حاشیه نشین به فرد یا گروهی گفته می شود که فرهنگ اولیه خود را بدون اینکه فرهنگ ثانویه را جایگزین نماید از دست داده است یا در عالم برخ قرار می گیرد.

یک جامعه شناس در خصوص حاشیه نشینی افراد مهاجر می گوید: " انسان حاشیه نشین شخصیتی است که از برخورد یا پیوند دو نظام فرهنگی متفاوت یا متخاصم به وجود می آید. چنین موجود دو رگه ای در آن واحد نسبت به دو فرهنگ احساس دلبستگی دارد اما از طرف دیگر خود را کاملاً به هیچ کدام متعلق نمی داند. "

توسعه حاشیه نشینی در ایران به سالهای ۱۳۳۰ برمی گردد اما شدت آن در دهه های ۴۰ و ۵۰ رقم خورده است. براساس مطالعات انجام شده حاشیه نشینی در حاشیه شهرها ابتدا از تهران شروع شده است. پیدایش اولین اجتماعات آلونک نشین در تهران به سال ۱۳۱۱ برمی گردد اما رشد و گسترش اجتماعات آلونک نشین به بعد از کودتای ۲۸ مرداد به خصوص از سال ۱۳۳۵ به این طرف برمی گردد. اولین اجتماعات حاشیه نشین در جنوب شهر تهران تمرکز یافتند. تهران تا شهریور سال ۱۳۵۹ نزدیک به ده هزار و ۴۵۰ خانوار و چهار هزار و ۵۰۰ آلونک را در خود جای داده است. پدیده حاشیه نشینی در ایران نیز همانند اکثر کشورهای در حال توسعه تا حدود زیادی ریشه در مهاجرت و عوامل دافعه و جاذبه روستایی- شهری دارد. فقدان و کمبود امکانات رفاهی و خدماتی در مناطق روستایی و شهرهای کوچک فرآیند مهاجرت را تشدید کرد و حاشیه نشینی

پدیدار گشت و به این ترتیب یکی از بارزترین نمودهای مهاجرت در ایران مانند بسیاری از کشورهای در حال توسعه شکل گرفت.

در فرهنگ شهر و شهرنشینی، حاشیه نشینی تا حدود زیادی مترادف با مفاهیمی چون زاغه نشینی و آلونک نشینی به کار برده شده است. از لحاظ فرهنگی، انزوا طلبی، احساس غریبه بودن و بیگانگی؛ از لحاظ روانی، پریشانی و تقدیرگرایی؛ از لحاظ اقتصادی، فقر، اشتغال در بخش غیر رسمی، بی ثباتی شغلی؛ از لحاظ بهداشتی، فقدان یا نارسایی سیستم خدمات بهداشتی-درمانی، آب شرب و از لحاظ اجتماعی هویت قومی، پایبندی به سنت ها و ارزش ها، خانواده گسترده و فقدان تخصص، بی سوادی و کم سوادی، درآمد پایین و به خصوص فرهنگ مستقل حاشیه نشینی از ویژگی های اجتماعات حاشیه نشینان است که در مناطق مختلف دیده می شود.

تکثیر بزهکاری

گزارش خبرگزاری مهر می افزاید: امروز با گشت و گذر در مناطق و محله های مختلف ابرشهر ایران به راحتی می توان با انواع ناهنجاری ها و بزهکاری های در حال وقوع مواجه شد که بدون کمترین تهدید از سوی نیروهای برقرار کننده نظم و امنیت و ترس از گرفتار شدن در بند قانون و عدالت به تکثر و رشد آسیب های اجتماعی مشغول هستند. البته دلیل این عدم برخورد قانونی با این ناهنجاری ها در این نکته نهفته که جامعه برای برخورد با این قبیل تخلفات اجتماعی هنوز با خلاء قانونی مواجه است و از همین روی نمی توان تا زمانی که وقوع جرم اثبات نشده با افرادی که به این قبیل ناهنجاری ها دامن می زنند برخورد قانونی داشت.

در هر حال هدف از ذکر این نکته توجه به حضور افرادی است که در این منجلاب گرفتار شده و همواره بر این باورند که تنها راه کسب درآمدشان غوطه ور شدن در چنین مشاغل کاذب و مخرب است. این افراد همان بچه های شهرستانی هستند که بار سفر بسته و در تهران اقامت گزیده اند. اینها همان جوانان ساده اندیش و محجوبی هستند که تهران را رویای شیرین زندگی پنداشته و باور کرده اند که تنها راه خوشبختی و سعادت دنیوی ورود به "شهر آرزوهای بر باد رفته" است و چنین می شود که بعد از چند صبحی و به محض پا نهادن بر روی سنگفرش خیابانهای این شهر بی در و پیکر احساس تهرانی بودن در وجودشان لانه می کند و هرگز نمی پذیرند که هر فردی برای زندگی در محیطی تربیت می شود که با آن محیط و فرهنگش انس گرفته و بزرگ شده است.

متأسفانه روند حضور جوانان شهرستانی طی سالهای اخیر در تهران بدون هیچ ضابطه و قاعده ای شدت گرفته و همچنان نیز با خیل عظیم افرادی روبه رو هستیم که برای زندگی در تهران حاضرند ملامت های بیشماری را تحمل کنند تا شاید روزی رنگ خوشبختی بر زندگی آنها جان بگیرد. اما زهی خیال باطل که تهران بخواهد روی خوش به این جوانان نشان دهد زیرا این شهر برای سکونت ساکنانی با آداب و رسوم مختلف فرهنگی و اجتماعی در درون خود میزبان مناسبی نمی تواند باشد و این گونه است که سرریز جمعیتی که بضاعت و توانایی کافی برای ادامه حیات در ابرشهر ایران ندارد را به سمت محیطهای سازگار با شرایط این افراد شاهد هستیم. یعنی زندگی در حاشیه و آزادی عمل بیشتر برای رفتارهایی که مغایر با وضعیت فرهنگی و اجتماعی جامعه بوده و به عنوان رفتارهای غیر اخلاقی و نامشروع آنها را می شناسیم و می پذیریم. این قبیل

افراد برای تامین نیازهای مادی و معیشتی خود ناچار به قبول هر جور کسب و درآمدی برای خود بوده و در این راه نیز متحمل خسارات سنگین جسمی و روحی می شوند بدون اینکه متوجه عواقب راههای پول در آوردن خود پی ببرند.

توزیع و فروش کالاهای به اصطلاح فرهنگی از نوع مبتذل و غیراخلاقی آن، توزیع مواد مخدر، وارد شدن به باندهای قاچاق و تجاوز به نوامیس مردم، دست داشتن در سرقت های مسلحانه از خانه ها و اماکن عمومی (بانک- طلا فروشی-...) همکاری با باندهای خطرناک و مخوف فرار دختران و... از جمله کارهایی است که متاسفانه با حضور افرادی همراه می شود که رویای شیرین زندگی در تهران را در سر می پرورانند. زندگی در کوچه پس کوچه های قدیمی شهر و حریم تهران نیز دلیلی براین مدعا است که این افراد حاضر به همرنگی با شهروندان ساکن در داخل شهر نیستند و همواره خود را تافته ای جدا بافته تلقی می کنند که مسیرشان برای ادامه زندگی با آنها یکی نیست. افرادی که با رویاهای شیرین و آرزوهای دست نیافتنی قدم در شهری گذارده اند که دیگر برای خروج از آن راهی نمی یابند و به ناچار ماندن و زندگی کردن به هر قیمت ممکن را بر جان می خرند و این گونه می شود که آمار آسیب های اجتماعی در کلان شهری همچون تهران روز به روز در حال افزایش است بدون اینکه بخواهیم به دنبال علل و علائم آنها باشیم.

زندگی در ناکجاآباد

در ادامه گزارش خبرنگار مهر آمده است: وقتی می آید خود را تهرانی می پندارد به طوری که حاضر نیست به راحتی در مقابل دیگران کم بیاورد تا متوجه بشوند او تازه از شهر و روستای شان بار سفر بسته و به شهر آرزوهای برباد رفته نقل مکان کرده است. چند روزی را با خوشی و خرمی در کنار هم ولایتی ها هر طور شده می گذراند اما مهمان بودن و مهمانی دادن هم اندازه ای دارد و حالا می بایست او از جیب خرج کند و این گونه می شود که به جنب و جوش می افتد تا مکانی مناسب با دخل و خرج زندگی برای خود فراهم کند. اما با سرمایه ای که او با خود به همراه آورده می بایست به حریم شهر هجرت کند و عطای زندگی شهری را به لقایش ببخشد. حالا او در ناکجا آباد است همان مکانی که خیلی از پیشقراولان این مسیر در آنجا سکونت گزیده اند. کوچه های شلوغ و پرجمعیت با هزاران مشکل و دردسر شهرنشینی که به چشم ساکنانش نمی آید اما مشهود و آشکار است. خانه های فسقلی که بدون رعایت ضوابط شهرسازی بنا شده اند تا سرپناهی برای ساکنانش باشند. اما زندگی در این خانه ها به چه قیمتی تمام می شود که خیلی لز همین کوچ نشینان حاضر به تحمل آنجا هستند؟ شهرکهایی که در شعاع چند کیلومتری شهر تهران همچون علف های هرز یک گیاه رشد کرده و دیگر نمی توان آنها را برچید چون کسانی که در این ناکجا آبادها زندگی می کنند حق حیات دارند مثل همه شهروندان تهرانی نشین که زندگی می کنند. اما هزینه زندگی در این محیط ها به مراتب سنگین تر از سکونت در درون شهر تهران خواهد بود زیرا افرادی که در این قبیل مکانها متولد می شوند و ادامه حیات می دهند با کمبودهایی دست و پنجه نرم می کنند که دیگران برای داشتن آنها متحمل هیچ سختی و عذابی نشده اند. عقده هایی که در زندگی افراد حاشیه نشین وجود دارد قابل قیاس با کمبودهای زندگی شهری نیست و این گونه

می شود که در سنین بزرگسالی او خود را فردی محتاج و نیازمند به نگاه دیگران تلقی می کند.

به راستی زندگی در این ناکجاآبادها چقدر هزینه برای ساکنانش در بردارد و چگونه می توان به تامین کسری این هزینه ها همت گمارد به طوری که فرد هیچ وقت احساس پوچی از حیات خویش نکند. در واقع چرا قانونگذاران برای ورود به شهر آرزوهای برباد رفته هیچ ممنوعیتی و مجازاتی تعیین نمی کنند ...

جامعه شناسان معتقدند مهاجرت و شهرنشینی فی نفسه پدیده ای منفی و مخرب نیست ولی در عین حال رشد بیش از حد و نامعقول آن می تواند در قالب عوارض و پیامدها نشان داده شود. مطالعات و پژوهش های موجود بیانگر این است که توسعه محلات فقیر نشین با روند افزایش مهاجرت رشد بیشتری دارد. چهره تهران پس از انقلاب به واسطه موج جدید مهاجران جوان با تغییرات متعددی روبه رو شد تا جایی که هم اکنون تنوع رفتارهای فردی و اجتماعی بسیاری را در سطح شهر شاهد هستیم. عدم سنخیت فرهنگی جوانانی که تهران را خاستگاه و ماوای خویش برای دست یابی به یک زندگی مرفه تلقی می کنند و خانواده هایی که با ترک خانه و کاشانه خود و پناه آوردن به حاشیه شهر تهران در جستجوی یک زندگی آبرومندانه هستند. در واقع پدیده مهاجرت عامل مهمی در تغییرات اجتماعی است که این مساله هم بر نقاطی که مهاجران را می پذیرند تاثیر گذار است و هم بر جاهایی که از آن می آیند. براساس آمار مستند و موجود جمعیت شناسان دنیا پیش بینی شده است تا سال ۲۰۲۵ تعداد ۹۳ شهر با بیش از پنج

میلیون نفر جمعیت پدید خواهد آمد که ۸۰ شهر آن در کشورهای در حال توسعه شکل می گیرد.